

۱۳۳۷/۱۸۹
۹۹، ۴، ۷



سلسله تک‌نگاشت‌های
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

مفهوم، مبانی و شاخص‌های اصلی عدالت اجتماعی از منظر اندیشمندان اسلامی

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرسنانه	: اصغری، سیدمحمد، ۱۳۲۷ -
عنوان و ناشر	: مفهوم، مبانی و شاخص‌های اصلی عدالت اجتماعی از منظر اندیشمندان اسلامی ایران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳.
مشخصات نشر	: ۶۴ ص: مصور، جدول، نمودار.
مشخصات ظاهری	: سلسله تک نگارشات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۴۱.
فرویداد	: ۵۰۰۰۰، ال ۶-۲۹-۷۴۱۱-۶۰۰-۹۷۸.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۱-۶۰۰-۵۰۰۰۰.
وضعیت فهرست‌سازی	: فهرست‌نویسی: این اثر در نشانی http://opac.nlia.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	: یادداشت: واژه‌ها.
یادداشت	: یادداشت: کتابخانه.
شناسه افزودن	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت.
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۸۰۵۰۸

سلسله تک نگارشات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
مفهوم، مبانی و شاخص‌های اصلی عدالت اجتماعی از منظر اندیشمندان اسلامی
نگارش: دکتر سید محمد اصغری (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
نوبت چاپ: اول، مهرماه ۱۳۹۳
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک:

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال
تلفن: ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸ - ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸
www.olgou.ir
Email: olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال‌آل احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.
مسئولیت دیدگاه‌های بیان‌شده در این تک نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این سرزمین صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبتنی بر مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تأسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صدها مقاله ارزشمند، تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تولید دانش، گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به صورت تک نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط این مجموعه توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسندگان با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیرامون یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشایند.

سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.



فهرست

۵	چکیده
۷	مقدمه

فصل اول

۱۵	کلیات و تعاریف
۱۵	حق و عدالت
۱۵	حق در لغت
۱۶	حق در اصطلاح
۱۷	مبانی حقوق
۱۸	علت غائی، علت فاعلی
۲۲	هدف حقوق
۲۳	حق‌مداری و تکلیف محوری
۲۵	عدالت اجتماعی
۲۶	تاریخچه و تعریف
۲۷	عدالت اجتماعی در مفهوم جدید
۲۸	انتقاد بر قرائت مارکسیستی عدالت

فصل دوم

۳۱	مبانی و شاخص‌های عدالت اجتماعی در اسلام
۳۱	تاریخچه، مبانی، تعریف و شاخص‌های عدالت اجتماعی در اسلام
۳۳	تاریخ چه می‌گوید؟
۳۴	توحید و آزادی درونی
۳۶	امام علی (ع) و عدالت اجتماعی
۳۸	بدعت‌ها
۴۳	تعریف عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی
۴۵	عدالت فراگیر
۴۶	کرامت انسانی
۴۸	تعارض حقوق فرد و جامعه
۴۸	دلایل نابرابری‌ها

۵۰	 راولز و عدالت
۵۳	 فرد و جامعه
۵۳	 چرا «لاضرر» بر ادلة احکام حکومت دارد؟
۵۴	 عرفان، عدالت، آزادی
۵۶	 اجتهاد و عدالت اجتماعی
۵۷	 توانمندسازی
۵۷	 عدالت در میان نسل‌ها
۵۸	 شاخص‌ها
۵۹	 تعریف «شاخص»
۶۰	 جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۶۳	 منابع

www.ketab.ir

چکیده

«ولا وایحه لا یزکو صلاه بغیر ولایه العدل الامام (ی)»

محمد بن عبداللہ حدیث^۱

تمرکز: «قدرت، ثروت و معرفت» یا اطلاعات در طول تاریخ همواره موجب ستم و انحصار بوده است. می‌گویند انقلاب ۱۹۱۷ روسیه در رویارویی با تمرکز ثروت و انقلاب اسلام ایران با توجه به تمرکز هر سه محور بوده است. این خیزش‌ها، در هریک از عرصه‌های یاد شده بهره‌مند شده‌اند، آرمان «عدالت اجتماعی» محور و مدار اصلی مطالبات نهضت‌های الهی و مردمی بوده است.

حیات و دیرپایی نظام اسلامی اما، نشان روشنایی از تکیه و تاکید این آئین مقدس بر عدالت و دادگری اجتماعی دارد؛ حقیقتی که در «قرآن کریم» و روایات معصومین (ع) تبلور چشم‌گیری دارد.^۲ طرفه آنکه قرآن نه «ملاء»^۳ «سرفراز» را که امواج مردم (ناس) را «قائمین به قسط» و برپای دارندگان عدل معرفی می‌کند، از سوی دیگر، در نظام اسلامی، نه تن‌ها «فرد» که «جامعه» هم دارای اصالت و شخصیت است افزون بر این، در آئین مقدس اسلام، سه «ارزش» عظیم معنویت (عرفان)، عدالت و زادن، هماهنگ و همراه و متکامل‌اند. آزادی من‌های عدالت، یا عدالت بدون آزادی، یا این هردو، بدون ابتناء بر «توحید» و آزادی درونی، ناتمام محسوب می‌شوند، و این نگرش در تعریف عدالت و «حق» و دادگری اجتماعی، و «مبنا» و «هدف» حقوق و فلسفه سیاسی، ایفاء نقش می‌کند؛ به‌گون‌های که «حقوق فطری» را بدون توجه به ارتباط عضوی جهان و وحدت عالم و درهم‌تنیدگی «حقوق و اخلاق» نمی‌توان تعریف و توصیف کرد. این مبانی برای تعریف «عدالت اجتماعی» هم ویژگی‌هایی را در نظر می‌گیرد، و همین منزلت و مکان

۱. حکیمی، محمد رضا، قیام جاودانه، ص ۱۶۳، دفتر نشر: ۱۳۷۲

۲. ظلم و ستم حدود ۲۹۰ بار در قرآن کریم تبیح شده است.

است که «عدالت و مسئولیت» را همراه و هم‌عنان می‌سازد، و انسان را نه تنها در نسبت با «بقاع و بهائم»^۱ (نهج البلاغه، فیض، خطبه ۱۶۵) که در مناسبات تاریخی، مسئول امروز و دیروز و فردای تاریخ می‌کند، و این تعهد عظیم، سر از گسترش «عدالت در میان نسلها» و حفظ محیط زیست و حراست از تمدن و میراث بشری درمی‌آورد، و آن را نه فقط صفتی برای افراد و کارگزاران، که صفت نهادها و شاکله اجتماعی، و سازمان‌های عمومی توصیف می‌کند، و، اولز نیز عدالت و دادگری اجتماعی را به مثابه «تقوای نظام اجتماعی» معرفی می‌کند که: «الملك یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم»! (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۱۸).
 واژگان کلیدی: عدالت، حق، فرد، جامعه، عدالت اجتماعی، وحدت و مسئولیت و...

مقدمه

در فراق عدل و انصاف

حق حیات، بی‌یادترین حقوق بشری است، و آنها که در پیش‌گیری از گرسنگی و مرگ، زن‌ان و مردان و کودکان کوتاهی می‌کنند، از شمار متجاوزان به این حقوق شمرده می‌شوند (برانت، ۱۳۶۵: ۱۰۲).

گواهی افرادی چون ویلی برنت، رئیس سابق سازمان ملل متحد، و چاپ و انتشار کتابی با عنوان «جهان مسلح، جهان گرسنه» نه سال‌ها قبل از سوی ایشان نوشته شد، اوضاع حاکم بر جهان را در فقدان عقل و در فراق عدالت به روشنی ترسیم می‌کند، و از ستم هولناکی می‌گوید که از سوی قلدان، و صاحبان زر و زور و فریب و تزویر، بر بشریت مظلوم رفته است. نگاهی گذرا، اوج ستم و درنازی صاحبان قدرت را در گوشه و کنار جهان، به نمایش می‌گذارد؛ داستانی که سری در در دارد و دامن تاریخ انسانی را آلوده است^۱ (بهار، ۲۵۳۷، ۳ و ۱۵۳) برانت اضافه می‌کند:

آزادی، عدالت و حیثیت انسانی برای افرادی که سرگرسنه بر زمین بی‌گناهند و نمی‌دانند که آیا فردا لقمه نانی به دست خواهند آورد یا نه، معنائی ندارد (همان، ۴۹). بازیگران ستمگر با ادعاهای واهی بر ملت‌ها و مردمانی بی‌گناه و بی سلاح یورش می‌برند و میلیون‌ها انسان را به خاک و خون کشیده یا آواره می‌کنند، با ایما و اشاره و وعد و وعید مردمان کشورها را به جان هم می‌اندازند، آنگاه با شلاق «حقوق بشر» به سروقتشان می‌روند، وضعیت فلسطین پس از شصت سال جنگ و کشتار و غارت، آئینه تمام‌نمای طغیان و ستم قدره‌بندانی است که بگفته ویلی برانت خود متجاوزان اصلی به انسان و حقوق بشراند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که تولید مواد مخدر در افغانستان، پس از حضور

۱. مهدی بهار هم در همین زمینه‌ها سخن بلندی دارد. می‌نویسد: تراست‌های صنعتی، وسایل حذف سریع و خشن تعدادی از موسسات کوچک را فراهم ساختند... و انحصار، آزادی سیاسی مزد بگیران، و زندگی اقتصادی ایشان را بطور خطرناکی بازجده خود کردند.

نیروهای ناتو چند برابر شده، درگیری‌ها توسعه یافته، تروریسم گسترده شده، و مردم بی گناه روزانه، در کوچه و خیابان و بازار و مدرسه کشته می‌شوند؛ مردمی که قربانی تجاوز کشورهای عضو ناتو برای سیطره بر منطقه هند و چین و آسیای جنوبی و خاورمیانه‌اند. در آفریقا اما، قدرت‌های سلطه‌گر مناسبات دوران استعمار را بازسازی می‌کنند و با پرداختن به آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی در اندیشه تجزیه کشورها و تفرقه مردمانی هستند که قرن‌ها در کنار هم زیسته‌اند!

اوضاع، به ویژه مصر و عراق و جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق نیز داستان‌های دراز دارد که این مختصر گنجایش تبیین آن همه ستم و درندگی را نداشته و انصاف می‌خواهد در برابر این همه ددمنشی متجددانه، همچنان شرمنده و سر در گریبان مانده است.

مسابقه بی‌پایان و وحشتناک تسلیحاتی (برانت، ۱۳۶۵: ۲۹۱) و تولید و تکثیر و انباشت سلاح‌های ویرانگر کشتار جمعی، ایده بشریت را تیره و تار و ناامن ساخته، و زیاده‌خواهی‌ها، دمار از روزگار ملت‌های معلوم مقام در آورده و محیط زیست انسانی را به جهنمی تبدیل کرده، و فقر و گرسنگی و «ستضعاف» و محرومیت بیش از یک میلیارد از سکنه جهان، امید به زندگی را از آنان ستانده است. در درون برخی کشورها نیز، رانت‌خواری و رشوه و جنایت و خیانت و اختلاس نرغ‌های حسد انگیز و رقم‌های افسان‌های یافته و عرصه را بر ملت‌ها و روح‌های بزرگ و آزاده ننگ کرده است، که تشریح و تبیین آن مجال گسترده‌ای می‌طلبد.

... و اکنون پرسش این است که مگر نه عدالت، در تمام نظام‌های دنیایی و حقوقی و سیاسی و اجتماعی، برترین ارزش‌ها و بلکه والاترین آن‌ها است؟ مگر نه همه ادیان بر این ارزش پای فشرده‌اند؟ پس چگونه این ارزش در محاق زیاده‌خواهی‌ها و برتری طلبی‌ها رفته و در ورطه دژخونی‌ها به اسارت درآمده است. مگر نه...؟

در پاسخ به پرسش بالا شاید بتوان گفت که مهمترین دلیل این تیره بختی‌ها، به خاطر نوع نگاه قدرت پرستان به: جهان، انسان، عدالت و آفرینش است. انسان زمانی که بر «خدا» شورید و ارتباط با آسمان را قطع کرد و به «اومانیسم» و اراده‌های نفس و نفسانیت بریده از خدا گرائید، بگفته مرحوم «اقبال لاهوری» جانش دیگر می‌شود: «و جان چو دیگر شد جهان دیگر شود!» نگاه به عرصه‌های گوناگون تاریخ این واقعیت را بخوبی بازگو

میکنند و به زیبایی نشان میدهد که برپایی عدالت نیازمند انسانهایی است که در درون خود به عدل و اعتدال رسیده و خوی برتری جوئی را مهار و خصلت فداکاری و خدمت به نوع انسان را متجلی کرده باشند.

صحنه برخورد ربیع بن عامر با رستم فرخزاد (طبری، ۱۳۶۲: ۱۶۹۱).

ظهور و شکوفائی چنین انسانی را باز می‌نماید، اما صد افسوس که پس از ارتحال پیامبر (ص) آهسته آهسته این روح پر نشاط و مومن افسرد و با عناوینی مانند: **مصلحت، اجماع رای و اجماع** (طباطبائی، ۱۳۸۸) اساس انحرافی بزرگ پی‌ریزی شد که با گذشت زمان زاویه انحراف وسیع و وسیع‌تر گردید و «عدالت»ی که در کتاب خدا و سراسر مفسران معصوم (ع) قوام آسمان و زمین^۲ (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۷۷) و «حیة احکام»^۳ (خسروی) و «اقرّب به تقوا»^۴ (مائده/۸) و «اساس دین»^۵ (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶) و... معرفی شده بود، به ورطه فراموشی رفت و «اصحاب کبار» و یاران ممتاز پیامبر (ص) و در پیشاپیش علمای اهل بیت علی بن ابیطالب (ع) که شاخص‌ترین مظهر و مظهر عدل بود، تن‌ها و مظلوم در آنجایی که نیست و در عصر خلیفه سوم، تبعیدی‌های پیامبر نزدیک و نزدیکان رسول خدا دور شدند، کنار به جایی رسید که پس از پنجاه سال، خانواده پیامبر (ص) قتل عام و «اهل بیت» آن بزگ به سارت رفتند، اما طرفه آن بود که علی بن ابیطالب (ع) در همان دوران کوتاه خلافت «عدالت» و راه و روند پیامبر بزرگ اسلام را جانی دوباره بخشید و عدل اسلام و عدالت اجتماعی سوی را با گفتار و کردار و تقریر و حیات و شهادت خود، چنان در جان‌های مشتاق شعله‌ور ساخت، که چراغ راه آزادی و آزادگان تاریخ شد تا جایی که شیعیان علی (ع) به «عدل»ی مذهبان شاخه شدند، زنده یاد دکتر شریعتی به زیبایی می‌نویسد:

«عدل» و «امامت» دو دعوت اسلام است، خطاب به همه گروه‌هایی که ستم می‌بینند و محرومیت می‌کشند و در جامعه از همه حقوق محروم‌اند، و همین دو دعوت است که جامعه ایرانی را به سوی خود می‌کشاند، و دل‌های مظلوم و ستم‌دیده را به خویش می‌گرایاند... اصل «عدالت» و «امامت» است که اسلام را کاملاً از ادیان قبل از خودش

۱. سرباز مسلمان در پاسخ این پرسش که چه می‌خواهید؟ گفت: آمده‌ام تا عبارت این است: «لنخرج العباد من عبادة العباد الى عبادة الله». و من ضيق الدنيا الى سعتها، و من جور الاديان الى عدل الاسلام.

۲. بالعدل قامت السموات و الارض.

۳. بالعدل حياة الاحكام.

۴. «اعدلوا هو اقرب للتقوى» قرآن کریم.

۵. بالعدل اساس ديني.

مشخص و ممتاز می‌کند، و امامت و عدالت است که مذهب اسلام را با این سرعت در میان جامعه‌ها رسوخ می‌دهد (شریعتی، بی تا: ۵۷). زرین کوب نیز می‌نویسد:

«بی هیچ شک، سرعت و ثباتی که با فتوحات مسلمین همراه بود در تاریخ جهان سابقه نداشت، از این رو بعضی آن را معجزه خدائی خواندند» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۹۷) روشن است که «عدالت اسلامی» بخشی از همان اعجازی بود که قرآن کریم منادی آن بود، «کتاب»ی که عدل در آیات حیات بخش آن موج می‌زند و نزدیک به ۲۹۰ بار ستم و بیداد در آن ترمیم و تقبیح شده است (اصغری، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

به هر تقدیر، «عدل» (علی (ع)) «خاطره ماندگار و تاریخی جامعه اسلامی و شیعی است و این همه در حلال و حرامی است که «غاصبان» و «مال اندوزان» و «خشک مغزان»^۱ خوارج، در همان دوران کوتاه همه جهت «علی» (ع) این «عدل مظلوم» را در محاصره ناجوانمردانه خود داشتند. آرام این بزرگ گرفته بودند.

علامه طباطبائی می‌نویسد:

علی (ع) در خلافت خود، اگر چه در دست او انواع درهم ریخته را کاملاً به حالت اول برگرداند، ولی از سه جهت عمده موفقیت حاصل کرد:

۱- به واسطه سیرت عادلانه خود قیافه جذاب سیرت پیامبر اکرم (ص) را به مردم خاصه به نسل جدید نشان داد...

۲- با آن همه گرفتاری‌های طاقت فرسا، ذخایر گرانبهای از عارف الهیه و علوم حقّه اسلامی را در میان مردم به یادگار گذاشت.

۳- گروه انبوهی از رجال دینی و دانشمندان اسلامی را تربیت نمود... (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۱۹ و ۱۸).

آری، همان گونه که «حق» همواره ماندگار و در نهایت چیره است، علی (ع) در عرصه تاریخ پیروز و جاوید شد و به همگان آموخت که در آئین اسلام، عدالت اصل اساسی هستی و زندگی بشری در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها است، و به جرئت می‌توان گفت که اگر «عدل علی» (ع) و در ادامه راه درخشان او، «عاشورا» نبود، به گفته مرحوم جلال الدین همایی، «همین اسلام که امروز ما داریم وجود نداشت، نه فقط عالم تشیع را می‌گویم، بلکه اصلاً اثری از اسلام و مسلمانی باقی نمی‌ماند» (همایی، ۱۳۸۷: ۶۵۹).